

روایتی تازه از دفاع مقدس

معصومه دهقان

گفت‌وگو

فیلم سینمایی «آندو» به تهیه‌کنندگی علیرضا سبط احمدی و کارگردانی مرتضی رحیمی با تکیه بر تجربه سازندگان در تولید آثار تلویزیونی و سینمایی، روایتی

انسانی و متفاوت از جنگ تحمیلی را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد؛ روایتی که به جای تمرکز بر قهرمان‌سازی‌های مرسوم، به سراغ زندگی کودکان و نوجوانانی می‌رود که در متن جنگ، ناخواسته با مفاهیمی چون فقدان، ایثار و مرگ روبه‌رو شده‌اند. این فیلم که بر اساس زندگی شهید نوجوان ظفر خالدی ساخته شده، تلاش دارد با نگاهی واقع‌گرایانه و دور از شعارزدگی، پیامدهای انسانی جنگ را بازخوانی کند و در عین حال، با استفاده از ظرفیت‌های سینمایی و فضاسازی میدانی، تصویری ملموس از یکی از کمتر روایت‌شده‌ترین وجوه دفاع مقدس ارائه دهد؛ اثری که سازندگان آن امیدوارند بتواند پل ارتباطی تازه‌ای میان نسل امروز و روایت‌های تاریخی جنگ برقرار کند. خبرنگار صبا با عوامل این فیلم گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می‌خوانید.

مرتضی رحیمی،
کارگردان:

«آندو» قربانی بی‌تدبیری
جشنواره شد

مرتضی رحیمی، کارگردان فیلم سینمایی «آندو»، در گفت‌وگو با روزنامه صبا از دغدغه ساخت اثری درباره شهدای لر و بختیاری دفاع مقدس، تمرکز بر برتره انسانی خردسال‌ترین شهید رزمنده، انتخاب زاویه دید نوجوانانه برای روایت جنگ، پرهیز آگاهانه از کلیشه‌های مرسوم آثار جنگی و چالش‌های حضور فیلم به‌عنوان اثر جایگزین در جشنواره فیلم فجر می‌گوید؛ فیلمی که تلاش دارد قهرمانان گمنام جنگ را با نگاهی انسانی و غیرشعاری به تصویر بکشد.

«آندو» روایت یک خانواده بختیاری در دوران دفاع مقدس است. درباره‌ی دغدغه‌ی اصلی‌تان در انتخاب این موضوع بگویید: چه وجهی از این روایت برای شما اهمیت داستانی و انسانی داشت؟

باید بگویم که خودم بختیاری هستم و با تاریخ و فرهنگ این منطقه آشنا هستم. استان‌های بختیاری‌نشین مثل خوزستان، اصفهان و چهارمحال و بختیاری و حتی لرستان، شهدای زیادی در راه وطن داده‌اند و خون‌های فراوانی ریخته شده است. تاریخ بختیاری برمی‌گردد به دوران ایلام و هخامنشیان و از آن دوران تا امروز، لرها و بختیاری‌ها نگاهبانان این مرز و بوم بوده و هستند.

متأسفانه تاکنون فیلمی درباره شهدای بی‌نام و نشان دفاع مقدس ساخته نشده است. بارها دیده‌ایم که درباره یک سردار شهید چند فیلم و سریال ساخته شده، اما درباره رزمندگان داوطلب و بی‌نام کاری صورت نگرفته است. همین مسئله یکی از دلایل اصلی انتخاب این موضوع برای من بود.

در «آندو»، خانواده خالدی دو پسر داشتند: خدا رحم و ظفر. ظفر، ۱۱ سال و شش ماه داشت که به جبهه رفت و شهید شد. جذابیت این موضوع برای من این بود که او یکی از خردسال‌ترین رزمندگان دفاع مقدس بود که داوطلبانه به میدان جنگ رفت. نکته دیگر این بود که او در کنار برادرش خدا رحم شهید شد. این داستان بیشتر من را راغب کرد که سراغ این سوزه بروم.

عنوان فیلم، «آندو»، کمتر از یک کلمه است اما بار عاطفی و کشش معنایی دارد. این واژه برای شما چه معنایی دارد و چگونه در متن روایت فیلم گره می‌خورد؟

«آندو» در واقع برگرفته از دوبرادر، ظفر و خدا رحم است. در فیلم چندین کاشت به آن دو اشاره شده است. به عنوان مثال، در سکانس‌های اول بیمارستان، ظفر دو نوزاد را در آغوش می‌گیرد که همان «آندو» هستند. در ادامه، هر دو برادر شهید می‌شوند تا دو دختر بچه را نجات دهند و ناموس و وطن را حفظ کنند.

در قصه‌ی «آندو»، زندگی روزمره، جنگ و خاطره در هم می‌آمیزند. چطور تلاش کردید این سه لایه را در ساختار روایی و دراماتیک کنار هم قرار دهید؟

شخصیت اصلی قصه، ظفر است. او در همه سکانس‌ها حضور دارد و روای داستان است. همه اتفاقات از نگاه او روایت می‌شود و او شاهد زندگی دیگر شخصیت‌هاست. شخصیت‌های مختلفی مثل افغان، عرب، لر، فارس و آبادانی سر راهش قرار دارند، اما ما فقط از زاویه نگاه ظفر زندگی آن‌ها را می‌بینیم و وارد عمق شخصیت‌های دیگر نمی‌شویم. فرم کار و ریتم روایت از ابتدا تا پایان فیلم، بر اساس زندگی‌نامه ظفر طراحی شد.

هدف ما این بود که نشان دهیم جنگ چگونه می‌تواند خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و مسیر رشد و پختگی خانواده‌ها و شخصیت‌ها از خامی تا تصمیم‌گیری برای جنگ و شهادت را نشان دهیم.

روایت فیلم سینمایی در نوع مواجهه با تاریخ و حافظه‌ی شخصی شخصیت‌هاست. چه اصولی در فرم سینمایی طراحی کردید تا بین بخش‌های عاطفی، تاریخی و بازنمایی ذهنی شخصیت‌ها توازن برقرار شود؟

سراسر شخصیت‌ها خانواده‌ها و شخصیت‌های متفاوتی قرار دادیم. از بچه‌های کم‌سن و سال گرفته تا پیرزن‌های ۷۰-۸۰ ساله، تا ظفر به پختگی برسد و تصمیم نهایی‌اش را بگیرد.

در فیلم‌هایی با زمینه‌ی اجتماعی-تاریخی، هر نما حامل معنایی فراتر از تصویر است. در «آندو» چه رویکردی برای طراحی تصویر، حرکت دوربین و ریتم روایت انتخاب کردید؟

تلاش کردیم دوربین احساس نشود و ذهن مخاطب از قصه دور نشود. حرکت دوربین بسیار آرام و گاهی ثابت است تا ریتم روایت یکدست باشد. بیشتر تصاویر بسته و نزدیک، مختص شخصیت ظفر بودند و روایت از POV اوست.

در بسیاری از آثار دفاع مقدسی، حفظ اصالت و جلوگیری از کلیشه‌پردازی چالش است. این دغدغه چقدر در راهکارهای اجرایی شما حضور داشت؟

قصه ظفر برتره‌ای واقعی دارد و خیلی از واقعیت‌ها تغییر نکرده است. حدود ۲۰٪ درصد تغییرات ایجاد شد تا داستان جذاب‌تر شود، اما نزدیک به واقعیت باقی مانده است. از آن‌جا که ژانر فیلم کودک و نوجوان است، صحنه‌های خشونت‌آمیز به تصویر کشیده نشده و از سبک اکشن دوری کردیم.

فیلم با حضور بازیگرانی مثل فریبا کوثری، علیرام نورایی و قدرت‌الله ایزدی همراه است. چه مسائلی برای شما در هدایت بازیگران اهمیت داشت؟

من خودم بختیاری هستم و یکی از نویسندگان قصه هم بودم. کاملاً می‌دانستم چه می‌خواهم. بازیگران را هم دقیق انتخاب کردم. مثلاً قدرت‌الله ایزدی که همیشه کار طنز کرده، این بار در فضای دفاع مقدس قرار گرفت؛ کاراکترش شیرینی دارد اما کنترل شده است. علیرام نورایی قبلاً با هم کار کرده بودیم. خانم فریبا کوثری هم نقش مادر ظفر را با گویش بختیاری بازی کرد. همه بازیگران در جای درست خودشان بودند و فکر می‌کنم از پس نقش‌ها برآمدند.

در فیلم بر محور یک نوجوان ۱۲ ساله به نام ظفر روایت می‌شود. چطور تعادل بین بازی کودک و بازی بزرگسالان برقرار شد؟

بچه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ با بچه‌های امروز متفاوت بودند. ما تلاش کردیم ظفر را در همان سن تبدیل به یک شخصیت بالغ کنیم تا الگویی مناسب برای نوجوانان امروز باشد. بازی ظفر با بزرگسالان نیز به گونه‌ای تنظیم شد که تأثیر دراماتیک او تحت الشعاع قرار نگیرد.

«آندو» جایگزین فیلم «عروس چشمه» در جشنواره فیلم فجر ۴۴ شد. این موقعیت را چطور می‌بینید؟

جایگزینی فیلم حس خوبی نداشت. وقتی فهمیدم قرار است جایگزین شویم، ناراحت شدم و از این که هیچ هماهنگی با ما نشده بود، دلخور شدم. اگر فیلمی قرار است جایگزین شود، باید با عوامل آن هماهنگی

